

بررسی روایات ذیل آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» در تبیین حکم فقهی غناء

فصاحت حسین^۱ و تسکین فاطمه نقوی^۲

چکیده

آیه شریفه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» از آیاتی است که در روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام با تبیین مصادیق خاص همراه شده است. در میان این مصادیق، غناء جایگاه برجسته‌ای دارد؛ به گونه‌ای که در روایات متعدد، به ویژه از امام صادق علیه السلام، «قول زور» به غناء تفسیر شده است. با گسترش رسانه‌ها و تنوع گسترده گونه‌های موسیقی و آواز در عصر حاضر، تشخیص حدود مفاهیمی چون غناء و تمایز آن از سایر مصادیق صوت و آواز، با ابهام‌ها و برداشت‌های متفاوتی روبه‌رو شده است؛ از سوی دیگر، یکی از مستندات مهم در تبیین حکم فقهی غناء، آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» و روایات واردشده در ذیل آن است که در برخی منابع به غناء تفسیر شده است. با توجه به کثرت مصادیق و احتمال خلط میان مفاهیم مختلف، بررسی دقیق این روایات و تحلیل دلالت آن‌ها اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف روشن‌تر شدن نسبت میان این آیه و روایات تفسیری آن و رفع برخی ابهامات موجود در فهم فقهی غناء، ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش با رویکردی فقهی-تفسیری، به بررسی روایات واردشده در ذیل این آیه پرداخته و دلالت آن‌ها را بر حکم فقهی غناء تحلیل می‌کند. از منظر سندی، هرچند برخی از این روایات به تنهایی از مرتبه صحّت برخوردار نیستند، اما کثرت طرق، تنوع اسانید و نقل مکرر مضمون واحد، مجموعه آن‌ها را به حدّ استفاضه رسانده و اطمینان عرفی به صدور این تفسیر از معصوم علیه السلام را فراهم می‌سازد. از حیث دلالتی نیز، تعبیر «اجتنبوا» به عنوان ظهوری

۱. استادیار جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، پوسته حوزه علمیه شهید ثالث علیه السلام، Husain.fasahat@gmail.com

۲. طلبه کارشناسی ارشد، رشته فقه خانواده، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، نمایندگی خراسان، مجتمع آموزش عالی خواهران، sayyedtaskin۹۲@gmail.com



صریح در حکم الزامی، همراه با تفسیر مستقیم «قول الزور» به غناء، دلالت روشنی بر حرمت فقهی آن دارد. همچنین در این نوشتار، برداشت‌هایی که دلالت روایات را به خصوص غناء همراه با لفظ محدود می‌دانند، مورد نقد قرار گرفته و نشان داده می‌شود که این تفسیر، ناظر به بیان یکی از مصادیق برجسته قول باطل است، نه تحدید مفهوم آن. در نهایت، تأکید ویژه امام صادق (علیه السلام) بر این تفسیر، با شرایط فرهنگی و اجتماعی عصر صدور روایات تبیین می‌گردد. هدف این پژوهش تبیین دقیق دلالت روایات بر حرمت غناء به‌عنوان مصداق قول زور و رفع ابهامات احتمالی در این زمینه است.

کلید واژه‌ها: قول الزور، غناء، روایات تفسیری، اجتنبوا، حکم فقهی

مقدمه

تفسیر آیات قرآن کریم در پرتو سنت معصومان علیهم السلام، یکی از مهم‌ترین ارکان فهم فقهی احکام شرعی به شمار می‌آید. بسیاری از مفاهیم قرآنی، اگرچه در سطح لغوی روشن به نظر می‌رسند، اما در مقام تطبیق بر مصادیق خارجی و تعیین آثار فقهی، نیازمند تبیین معصومانند. عنوان «قول الزور» از همین قبیل مفاهیم است که با وجود معنای عرفی روشن، در حوزه عمل فقهی، پرسش‌هایی درباره حدود و مصادیق آن پدید آمده است. از سوی دیگر، مسئله غناء به‌عنوان یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در فقه اسلامی، همواره محل اختلاف نظر و برداشت‌های گوناگون بوده است. تنوع دیدگاه‌ها در تبیین حقیقت غناء و حدود حرمت آن، نشان می‌دهد که تحلیل این مسئله، بدون مراجعه دقیق به روایات تفسیری و فضای صدور آن‌ها، به نتیجه‌ای منتهی نخواهد انجامید. پیوند میان مفهوم قرآنی «قول الزور» و غناء، نقطه تلاقی تفسیر قرآن و استنباط فقهی را شکل می‌دهد. در این میان، تأکید ویژه روایات منقول از امام صادق علیه السلام بر تطبیق «قول الزور» بر غناء، پرسشی اساسی را مطرح می‌کند و آن این‌که این تفسیر چه نقشی در تعیین حکم فقهی غناء دارد و تا چه اندازه می‌توان آن را در استنباط حکم الزام‌آور دخیل دانست. بررسی این مسئله، افزون بر جنبه فقهی، از حیث روش‌شناسی فهم روایات تفسیری نیز اهمیت دارد و می‌تواند در تبیین نسبت میان قرآن، روایت و حکم فقهی، افق روشنی پیش روی پژوهش‌گر قرار دهد. در این پژوهش، ابتدا مفاهیم اساسی شامل معنای لغوی و اصطلاحی زور و غناء، چستی روایات تفسیری و نقش آن‌ها در استنباط فقهی، مفهوم «اجتناب» و دلالت آن بر حرمت، و جایگاه حکم فقهی در این مسئله بررسی می‌شود. سپس روایات موجود در منابع معتبری همچون الکافی، معانی الأخبار، امالی شیخ طوسی و کتاب زید نرسی (از اصول اربعه‌أه) گردآوری و دسته‌بندی می‌گردد. پس از اعتبارسنجی سندی روایات و تحلیل دلالتی آن‌ها با تأکید بر تعبیر «اجتنبوا»، در نهایت برداشت‌های نادرست از این روایات نقد و ارزیابی می‌شود. پاسخ به پرسش‌های مذکور، افزون بر تبیین حکم فقهی غناء، می‌تواند الگویی برای فهم نسبت میان آیات قرآن، روایات تفسیری و استنباط احکام شرعی ارائه دهد و از حیث روش‌شناسی فهم روایات تفسیری، افق روشنی پیش روی پژوهش‌گر قرار دهد.



مفهوم‌شناسی

۱. «زور» و «قول الزور»

واژه «زور» در لغت به معنای انحراف از حق و میل به باطل استعمال می‌شود و به هر امر فاقد استقامت و واقعیت اطلاق می‌گردد. بر این اساس، «قول الزور» در استعمال عرفی و قرآنی، عنوانی عام برای هرگونه گفتار باطل، اعم از دروغ، تهمت و سخن گمراه‌کننده است. قرآن کریم در آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (حج/۳۰)» با تعبیر امر به اجتناب، از این عنوان نهی کرده است؛ تعبیری که در لسان شارع، ظهور در ترک الزامی و حرمت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۴/۵۲۶).

۲. روایات تفسیری

منظور از روایات تفسیری، روایاتی است که از پیامبر ﷺ و ائمه نقل شده و مفاد آیات را توضیح می‌دهد. این روایات در مکتب شیعه منبع اصلی فهم قرآن محسوب می‌شوند (معرفت، ۱۳۸۸: ۱/۲۷). روایات تفسیری در شیعه نه فقط برای فهم معنای آیه، بلکه برای استخراج حکم شرعی نیز حجت هستند. مثلاً همین روایات که «قول الزور» را به «غناء» تفسیر کرده‌اند، فقیه بر اساس آن فتوا به حرمت غنا داده است (قمی، بی‌تا: ۲/۹۷).

۳. غناء در روایات

غناء در روایات اهل بیت ﷺ به عنوان پدیده‌ای لهوی و از مصادیق باطل معرفی شده است. آنچه از روایات تفسیری ذیل آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» به دست می‌آید، این است که غناء در نگاه معصومان ﷺ صرفاً یک صوت یا آواز خالی از ارزش‌گذاری نیست، بلکه عنوانی است که بار ارزشی منفی داشته و در کنار مفاهیمی همچون رجس و لهو قرار گرفته است (الکلینی، ۱۴۰۷: ۶/۴۳۱).

۴. اجتنبوا (اجتناب کنید)

«اجتنبوا» در لغت از ریشه «جنب» به معنی دوری و پرهیز کردن است. فقهای امامیه معتقدند امر به اجتناب، همانند نهی صریح، دلالت بر حرمت دارد، زیرا معنای آن ترک همراه

با دوری است، نه صرف ترک؛ بنابراین در آیات «اجتنبوا قول الزور» و مانند آن، نتیجه حکم شرعی «حرمت» است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۵۲۶).

۵. حکم فقهی

در فقه شیعه، «حکم شرعی» عبارت است از اظهار اراده شارع نسبت به فعل مکلف، به یکی از پنج قسم: وجوب، حرمت، استحباب، کراهت، اباحه. فقیه از آیات و روایات تفسیری (مانند آیهی اجتنبوا قول الزور و تفسیر آن به غناء) حکم حرمت غناء و قول زور را استنباط می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲ / ۸۸).

بررسی روایات تفسیری ذیل آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»

روایات وارد شده در تفسیر آیه شریفه «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج: ۳۰)؛ پس از پلیدی بت‌ها دوری کنید و از گفتار باطل اجتناب نمایید» از نظر محتوا و کارکرد تفسیری، در شمار مهم‌ترین روایات این باب به شمار می‌آیند. ویژگی ممتاز این روایات آن است که مستقیماً در مقام تفسیر آیه وارد شده‌اند و از این جهت، نسبت به روایات غیرتفسیری، نقش روشن‌تری در فهم مراد شارع دارند. افزون بر این، بسیاری از این روایات از نظر سندی نیز از اعتبار قابل توجهی برخوردارند و برخی از آن‌ها در منابع اصلی حدیثی با اسناد معتبر نقل شده‌اند. با تتبع در منابع روایی، روشن می‌شود که بخش قابل توجهی از این روایات در کتاب الکافی گرد آمده است.

الف. در روایت ابی بصیر، وی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، فَقَالَ: الْغِنَاءُ؛ ابی بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال پرسیدم که: «از پلیدی بت‌ها دوری کنید و از سخن باطل اجتناب نمایید» حضرت فرمود: منظور از آن، غناء است» (کلینی، بی‌تا: ۴۳۱ / ۶).

در این روایت، امام صادق علیه السلام بدون هیچ قید یا توضیح اضافی، «قول الزور» را به غناء تفسیر می‌فرماید. ساختار پاسخ حضرت علیه السلام که به صورت تعریف مستقیم آمده است، ظهور در این دارد که غناء در نگاه ایشان یکی از مصادیق روشن و شناخته شده قول باطل است؛ نه نمونه‌ای استثنایی یا نادر. این روایت، هرچند از نظر برخی رجال سندی در مرتبه صحیحه



اصطلاحی قرار ندارد، اما به سبب اعتماد اصحاب بر رجال آن و عمل فقها به نظایر آن، در شمار روایات معتبر قرار گرفته است.

ب. همچنین روایت زید شحام، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، فَقَالَ: الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ؛ زِيدُ شَحَامٍ مِی‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه پرسیدم. حضرت علیه السلام فرمود: رِجْس از بت‌ها، شطرنج است و قول زور، غناء است؛ ضمن تفسیر «الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ» به شطرنج، «قول الزور» را غناء معرفی می‌کند» (کلینی، بی‌تا: ۶ / ۴۳۵)؛

این روایت از حیث دلالت، صریح و روشن بوده و از نظر سند نیز با توجه به وثاقت غالب رجال آن، قابل اعتماد است.

ج. تکرار همین مضمون قبل در روایت هشام «عَنْ هِشَامٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، قَالَ: الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ؛ هِشَامٌ مِی‌گوید: امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: رِجْس از بت‌ها شطرنج است و قول زور غناء است» این روایت در الکافی و نیز در تفسیر قمی نقل شده، بر قوت این تفسیر می‌افزاید (الکافی، بی‌تا: ۶ / ۴۳۶؛ قمی، بی‌تا: ۲ / ۷۴).

د. در منابع تفسیری و حدیثی، از جمله در کتاب معانی الأخبار، روایت دیگری از عبدالاعلی بن اعیان نقل شده است که در آن نیز تفسیر «قول الزور» به غناء تصریح گردیده است: «عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، فَقَالَ: الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ؛ عَبْدِ الْأَعْلَى مِی‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه پرسیدم. حضرت فرمود: رِجْس از بت‌ها شطرنج است و قول زور غناء است» (صدوق، بی‌تا: ۱ / ۳۴۹)؛

این روایت از جهت محتوا کاملاً هم‌سو با روایات پیشین است و نشان می‌دهد که این تفسیر محدود به یک یا دو راوی خاص نبوده، بلکه در حلقه‌های مختلف اصحاب امام صادق علیه السلام تداول داشته است. تکرار دقیق همان تعبیر در چند نقل مستقل، ظهور در آن دارد که این تطبیق، یک بیان ثابت و مستقر از سوی امام بوده و نه پاسخ موردی به یک پرسش خاص (صدوق، بی‌تا: ۱ / ۳۴۹).

ه. در روایت دیگری که از نظر سندی در زمره روایات صحیحه قرار دارد، دامنه مفهوم «قول الزور» توسعه بیشتری می‌یابد: «عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ الزُّورِ، فَقَالَ: مِنْهُ قَوْلُ الرَّجُلِ لِلَّذِي يُغْنِي: أَحْسَنْتَ؛ حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ مِي‌گوید: از امام صادق عليه السلام درباره قول زور پرسیدم. حضرت فرمود: از جمله مصادیق آن این است که کسی به خواننده غناء بگوید: «آفرین، خوب خواندی» (صدوق، بی‌تا: ۱/ ۳۴۹)؛

این روایت از جهت دلالت بسیار مهم است؛ زیرا نشان می‌دهد که نه تنها خود عمل غناء، بلکه تشویق و تأیید آن نیز در دایره «قول الزور» قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، مفهوم غناء از یک رفتار فردی فراتر رفته و به یک پدیده اجتماعی تبدیل می‌شود که حتی مشارکت غیرمستقیم در آن نیز از منظر شارع، مصداق گفتار باطل به‌شمار می‌آید.

در روایت دیگری که شیخ طوسی در امالی نقل کرده است، این تفسیر از طریق امام هادی عليه السلام و با واسطه پدران ایشان به امام صادق عليه السلام می‌رسد: «قَالَ أَبُو مُوسَى: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، قَالَ: الرَّجْسُ الشُّطْرَنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ؛ امام صادق عليه السلام درباره این آیه فرمود: رجس شطرنج است و قول زور غناء است» (طوسی، بی‌تا: ۲۹۴؛ مجلسی، بی‌تا: ۷۶ / ۲۴۴)؛

اهمیت این روایت در آن است که تفسیر مذکور از طریق سلسله‌ای از ائمه علیهم السلام منتقل شده و نشان می‌دهد که این فهم از آیه، اختصاص به عصر امام صادق عليه السلام نداشته، بلکه در سنت اهل بیت علیهم السلام استمرار یافته است.

و. در کتاب زید نرسی، که از اصول اربعماه محسوب می‌شود، روایت مفصلی در این باب نقل شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ طَلَبِ الصَّيْدِ وَضَرْبِ الصَّوَالِجِ وَلَعِبِ الشُّطْرَنْجِ، فَقَالَ: أَمَّا الصَّيْدُ فَإِنَّهُ سَعَى بَاطِلٌ... وَأَمَّا الشُّطْرَنْجُ فَهُوَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، فَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ؛ برخی از اصحاب از امام صادق عليه السلام درباره شکار و بازی با چوب (صولجان) و شطرنج پرسیدند. حضرت عليه السلام فرمود: اما شکار اگر برای لهو و خوشگذرانی باشد، سعی باطل است... و اما شطرنج همان چیزی است که خداوند درباره آن فرموده: از رجس بت‌ها و از قول زور اجتناب کنید؛ و قول زور همان غناء است» (مجموعه من العلماء، بی‌تا: ۱۹۸)؛



این روایت از جهت محتوایی بسیار غنی است؛ زیرا در ضمن یک گفت‌وگوی تربیتی، امام‌الکلیه (علیه السلام) مجموعه‌ای از سرگرمی‌های رایج را ذیل عنوان «لهو» قرار می‌دهد و سپس آن را مستقیماً به آیه قرآن پیوند می‌زند. در این روایت، غناء نه فقط یک رفتار حرام، بلکه بخشی از یک منظومه فرهنگی معرفی می‌شود که مؤمن باید به‌طور کلی از آن فاصله بگیرد.

۱. بررسی اصول أربعماء و اعتبار اصل زید نرسی

در سنت حدیثی امامیه، «اصل» به کتابی گفته می‌شود که مؤلف آن روایات را مستقیماً و بلاواسطه از امام معصوم (علیه السلام) دریافت کرده و بدون اتکا به آثار دیگر ثبت نموده است. به همین جهت، اصول أربعماء که مجموعه‌ای از این آثار اولیه‌اند، بالاترین درجه اتصال به معصوم (علیه السلام) را در میان منابع حدیثی دارا بوده و پایه اصلی انتقال روایت در دوره‌های نخست محسوب می‌شوند (مجموعه من العلماء، بی‌تا: ۱۹۸؛ شیخ طوسی، بی‌تا: ۲۰۱). بخش قابل توجهی از میراث حدیثی متأخر، از جمله روایات موجود در الکافی، در نهایت به همین اصول بازمی‌گردد (کلینی، بی‌تا: ۱۸۶/۲). اصل زید نرسی از همین سنخ است و در شمار آثار اصیل نخستین قرار می‌گیرد. هرچند مرحوم صدوق نسبت به این اصل خدشه وارد کرده و آن را غیرقابل اعتماد دانسته است (صدوق، ۱۴۰۴: ۴/۲۰۷)، اما این دیدگاه در سنت رجالی امامیه تثبیت نشده است.

۲. دفاع رجالی و حجیت اصل زید نرسی

ابن غضائری، که خود از سخت‌گیرترین رجال پژوهان شیعه است، تصریح می‌کند که تضعیف این اصل ناشی از اشتباه است و خود وی نسخه کتاب زید نرسی را دیده که بر ابن ابی عمیر قرائت شده بوده است (ابن الغضائری، بی‌تا: ۶۲). از آن جا که ابن ابی عمیر از ثقات مسلم امامیه است و نقل او نزد فقها در حکم نقل معتبر محسوب می‌شود، روایت او از زید نرسی قرینه‌ای قوی بر اعتبار این اصل به‌شمار می‌آید (کلینی، بی‌تا: ۲۱/۷؛ ابن قولویه، بی‌تا: ۳۰۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۵/۲). افزون بر این، نجاشی نیز طریق معتبر به اصل زید نرسی ذکر کرده و تصریح نموده است که این کتاب از طریق ابن ابی عمیر به دست اصحاب رسیده است (نجاشی، بی‌تا: ۱۷۴). بر اساس مجموع این شواهد، اصل زید نرسی از حیث رجالی دارای پشتوانه معتبر است و روایت منقول از آن، می‌تواند در کنار سایر روایات صحیح، در استنباط فقهی مورد اعتماد قرار گیرد.

۳. بررسی سندی روایات تفسیری

یکی از محورهای اساسی در ارزیابی روایات تفسیری ذیل آیه «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، بررسی اعتبار اسناد آن‌هاست؛ چرا که استناد فقهی به این روایات، متوقف بر احراز حجیت سندی یا دست‌کم حصول اطمینان عرفی به صدور مضمون آن‌ها از معصوم علیه السلام است. تتبع در اسانید این روایات نشان می‌دهد که از حیث سندی، با طیفی متنوع از روایات مواجه هستیم که از صحیح و معتبره تا روایاتی با ضعف جزئی در سند را شامل می‌شود. برخی از این روایات، از حیث سند، در مرتبه صحیح قرار دارند؛ مانند روایت حماد بن عثمان که در آن، همه رجال سند امامی و مورد توثیق‌اند و امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از «قول الزور»، حتی تحسین خواننده غناء را نیز از مصادیق آن معرفی می‌فرماید (صدوق، بی‌تا: ۸/ ۳۴۹). این روایت، افزون بر اعتبار سندی، از جهت دلالت نیز دارای صراحت قابل توجهی است.

در کنار این دسته، روایاتی قرار دارند که اگرچه تمام رجال آن‌ها تصریح به توثیق نشده‌اند، اما به سبب وجود قرائن معتبر، در شمار روایات قابل اعتماد قرار می‌گیرند. برای نمونه، روایت ابی بصیر که از طریق سهل بن زیاد نقل شده، هرچند از حیث اصطلاحی صحیح نیست، اما با توجه به عمل اصحاب به روایات سهل بن زیاد در الکافی و وجود رجال موثق دیگر در سند، معتبر شمرده شده است (کلینی، بی‌تا: ۶/ ۴۳۱)؛ همچنین برخی روایات از طریق ابن ابی عمیر نقل شده‌اند؛ مانند روایت هشام که در آن، ابن ابی عمیر از «بعض اصحابه» روایت می‌کند. با توجه به مبنای مشهور در اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر، این گونه نقل‌ها از حیث حجیت، در حکم مسند تلقی می‌شوند (کلینی، بی‌تا: ۶/ ۴۳۶)؛ افزون بر این، نقل همان مضمون در تفسیر قمی با تعیین نام راوی، موجب تقویت سند و رفع اجمال می‌گردد (قمی، بی‌تا: ۲/ ۷۴).

از سوی دیگر، وجود این مضمون در منابع متعددی همچون الکافی، معانی الأخبار، امالی شیخ طوسی و کتاب زید نرسی، با اسناد و طرق مختلف، سبب شده است که مجموعه این روایات به حد استفاضه برسد. در چنین وضعیتی، حتی اگر در برخی اسناد منفرد خدش‌های وارد باشد، کثرت نقل و اتحاد مضمون، اطمینان عرفی به صدور این تفسیر از امام صادق علیه السلام را فراهم می‌آورد.

بر این اساس، می‌توان گفت که روایات تفسیری ذیل آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» از حیث سندی، واجد پشتوانه‌ای قابل قبول‌اند و زمینه استناد فقهی به آن‌ها، به‌ویژه در پرتو قاعده استفاضه، به‌خوبی فراهم است.



تحلیل دلالتی روایات و نقش «اجتنبوا» در استنباط حکم فقهی غناء

پس از احراز اعتبار سندی روایات تفسیری ذیل آیه «وَأَجْتَنَّبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، نوبت به بررسی دلالت آن‌ها می‌رسد. مهم‌ترین عنصر دلالتی در این آیه و روایات مربوط به آن، تعبیر «اجتنبوا» است که در لسان قرآن و روایات، ظهور روشنی در نهی شدید و ترک الزامی دارد. «اجتناب» در مقایسه با صرف نهی، متضمن نوعی دوری‌گزینی عملی و پرهیز جدی است و از این جهت، در موارد متعددی به‌عنوان قرینه بر حرمت شرعی به‌کار رفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۹۷-۳۹۸).

در روایات مورد بحث، امام صادق علیه السلام با تفسیر صریح «قول الزور» به غناء، در واقع متعلق امر به اجتناب را مشخص ساخته‌اند. برای نمونه، در روایت ابی‌بصیر، هنگامی که راوی از معنای آیه سؤال می‌کند، حضرت در پاسخ می‌فرماید: «الغناء» (کلینی، بی‌تا: ۶/۴۳۱). این بیان، از حیث دلالت، کاملاً روشن است؛ زیرا با توجه به ظهور «اجتنبوا» در حرمت، نتیجه آن خواهد بود که غناء مشمول نهی تحریمی است.

همین دلالت در روایت زید شحّام و هشام نیز تکرار شده است؛ آن‌جا که امام علیه السلام بدون هیچ قید و توضیح اضافی، «قول الزور» را غناء معرفی می‌کند (کلینی، بی‌تا: ۶/۴۳۵ و ۴۳۶). تکرار این تفسیر در منابع مختلف و با تعابیر مشابه، نشان می‌دهد که مراد امام علیه السلام صرف بیان یک مصداق نادر یا اتفاقی نبوده، بلکه غناء به‌عنوان یکی از مصادیق برجسته و شناخته‌شده قول باطل، مورد نظر شارع قرار داشته است. دلالت این روایات زمانی قوت بیشتری می‌یابد که به برخی نقل‌های خاص توجه شود. در روایت حماد بن عثمان، امام صادق علیه السلام حتی گفتن «أحسن» به خواننده غناء را از مصادیق «قول الزور» می‌شمارند این نکته نشان می‌دهد که نه تنها نفس غناء، بلکه هرگونه تقویت و تأیید آن نیز در دایره نهی قرار می‌گیرد؛ امری که با حکم کراهت سازگار نیست و ظهور در شدت نهی و حرمت دارد (صدوق، بی‌تا: ۱/۳۴۹).

همچنین در روایت عبدالله بن ابی‌بکر، تکرار مکرر تعبیر «الغناء اجتنبوا» از سوی امام صادق علیه السلام، قرینه‌ای قوی بر اهتمام شارع به ترک این عمل و تأکید بر جنبه تحریمی آن است (طوسی، بی‌تا: ۷۲۰-۷۲۱). چنین تأکیدی، با برداشتهایی که دلالت این روایات را تضعیف می‌کنند، سازگاری ندارد. بر این اساس، مجموعه قرائن لفظی و سیاقی در آیه و روایات تفسیری آن، دلالتی روشن بر حرمت فقهی غناء دارد و تعبیر «اجتنبوا» در این روایات، نقش محوری در استنباط این حکم ایفا می‌کند.

نقد برداشت‌های نادرست از روایات تفسیری

در مواجهه با روایات تفسیری ذیل آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، دو برداشت نادرست در برخی تحلیل‌ها مشاهده می‌شود که بررسی و نقد آن‌ها برای دستیابی به فهم صحیح دلالت روایات ضروری است. این برداشت‌ها، غالباً ناشی از خلط میان مفهوم «قول زور» و مصداق‌یابی معصوم علیه السلام یا عدم توجه به مجموع قرائن لفظی و سیاقی روایات است.

۱. حصر حرمت غناء در موارد همراه با لفظ

نخستین برداشت نادرست آن است که حرمت غناء را منحصر در مواردی می‌داند که آواز همراه با کلام باشد؛ به این بیان که چون تعبیر «قول الزور» در آیه و روایات به کار رفته، پس تنها آن نوع از غناء که مشتمل بر لفظ و گفتار باشد، مشمول نهی است و اصوات و نغمه‌های بدون کلام از دایره حرمت خارج‌اند. این برداشت، هرچند در نگاه ابتدایی ممکن است قابل تصور به نظر برسد، اما با دقت در روایات تفسیری، قابل دفاع نیست (مختاری و صادقی و نعمتی، ۱۳۷۰: ۱۶).

در روایات مورد بحث، امام صادق علیه السلام «قول الزور» را به غناء تفسیر کرده‌اند، نه این که غناء را به «قول» مقید ساخته باشند. به عبارت دیگر، «قول» در اینجا به عنوان عنوان قرآنی عام مطرح است و غناء به عنوان یکی از مصادیق برجسته آن معرفی شده است، نه این که حقیقت غناء در گرو همراهی با لفظ باشد (کلینی، بی‌تا: ۴۳۱/۶ و ۴۳۵).

افزون بر این، در برخی روایات، بدون آن که سخنی از کلام یا شعر به میان آید، صرف عنوان غناء مورد نهی قرار گرفته است؛ مانند روایت عبدالله بن ابی بکر که امام علیه السلام با تکرار تعبیر «الغناء اجتنبوا» بر اجتناب از آن تأکید می‌فرمایند (طوسی، بی‌تا: ۷۲۰-۷۲۱). این تعبیر مطلق، قرینه‌ای روشن بر عدم تقیید غناء به صوت همراه با لفظ است.



۲. خلط میان مفهوم و مصداق در تفسیر «قول الزور»

برداشت نادرست دوم آن است که از تفسیر «قول الزور» به غناء، نتیجه گرفته شود که غناء حقیقتاً همان «قول» است و اگر صوتی فاقد کلام باشد، اساساً غناء محسوب نمی‌شود. این تحلیل، مبتنی بر خلط میان مفهوم کلی و تطبیق مصداقی است. روشن است که وقتی معصوم علیه السلام یکی از مصداق «قول زور» را بیان می‌کند، به معنای حصر مفهوم در آن مصداق یا تغییر حقیقت مفهومی آن نیست. همان‌گونه که «قول زور» همچنان شامل سایر مصداق گفتار باطل، مانند دروغ و غیبت، باقی می‌ماند، غناء نیز به‌عنوان یکی از مصداق روشن آن معرفی شده است، بی‌آن‌که سایر مصداق نفی شوند. پرسش اصحاب از معنای «قول الزور» نیز ناظر به همین تطبیق خاص بوده است، نه ابهام در اصل معنای لغوی آن (کلینی، بی‌تا: ۶/۴۳۱)؛ بنابراین، تفسیر روایات تفسیری ذیل آیه، نه تنها موجب تضییق دایره حرمت غناء نمی‌شود، بلکه با توجه به اطلاق تعابیر و تأکیدهای معصومان علیهم السلام دلالت آن‌ها بر حرمت مطلق غناء - فارغ از همراهی با لفظ - تقویت می‌گردد.

۳. نقش شرایط عصر امام صادق علیه السلام در تأکید روایات

به این تیتیر، در کتاب غناء و موسیقی پرداخت شده است و برای بیان این نکته آمده است که کثرت روایات نقل‌شده از امام صادق علیه السلام در تفسیر «قول الزور» به غناء، تنها یک امر اتفاقی نیست؛ بلکه با شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان آن حضرت علیه السلام ارتباط دارد. در آن دوره غناء در جامعه رواج قابل توجهی داشت و حتی به‌صورت یک پدیده عمومی در میان مردم مطرح بود، از این‌رو امام علیه السلام برای هدایت جامعه و جلوگیری از رواج این پدیده، بر بیان و تکرار این تفسیر تأکید کرده‌اند. بنابراین این تیتیر نشان می‌دهد که تکرار روایات در این موضوع تا حدی ناشی از نیاز و شرایط خاص عصر امام صادق علیه السلام بوده است. نکته قابل توجه در مجموعه روایات تفسیری ذیل آیه «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» آن است که بخش عمده این روایات از امام صادق علیه السلام نقل شده است؛ حتی در مواردی که روایت به امامان متأخر نسبت داده شده، سلسله نقل به آن حضرت علیه السلام منتهی می‌گردد.

بر اساس گزارش‌های روایی غناء در آن دوره صرفاً محدود به دربار خلفا یا طبقات خاص جامعه نبوده، بلکه در میان عموم مردم و به‌عنوان ابزار سرگرمی و لهو رواج گسترده‌ای داشته است؛ چنین وضعیتی سبب می‌شده که غناء به‌عنوان یک

پدیده اجتماعی اثرگذار نیازمند موضع‌گیری صریح و مکرر از سوی معصوم علیه السلام باشد. تأکید مکرر امام صادق علیه السلام بر تطبیق قول الزور بر غناء را می‌توان در همین چارچوب تحلیل کرد (کلینی، بی‌تا: ۱/ ۴۳۱ و ۴۳۵)؛ از سوی دیگر پرسش مکرر برخی از اصحاب برجسته از معنای قول الزور نشان می‌دهد که این تفسیر خاص در جامعه علمی آن روز مطرح بوده و محل گفت‌وگو قرار گرفته است. این پرسش‌ها نه از سر ابهام در معنای لغوی «زور» بلکه برای اطمینان از انتساب این تفسیر به شخص امام علیه السلام و رفع اختلاف دیدگاه‌ها صورت می‌گرفته است (کلینی، بی‌تا: ۶/ ۴۳). چنین فضایی تکرار و تأکید امام علیه السلام را توجیه‌پذیر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی روایات تفسیری ذیل آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» و تحلیل دلالت آن‌ها بر حرمت غناء انجام شد. نتایج نشان می‌دهد این روایات از اعتبار سندی قابل قبولی برخوردارند و دلالت روشنی بر حرمت غناء دارند. در مفهوم‌شناسی «زور» به معنای انحراف از حق و «قول الزور» عنوانی عام برای گفتار باطل است. «غناء» در روایات اهل بیت علیهم السلام از مصادیق باطل معرفی شده و تعبیر «اجتنبوا» در آیه، ظهور در ترک الزامی و حرمت دارد. بررسی روایات تفسیری در منابع معتبری همچون الکافی، معانی الأخبار، امالی شیخ طوسی و کتاب زید نرسی نشان داد که امام صادق علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام «قول الزور» را به صراحت به «غناء» تفسیر کرده‌اند. روایات ابی بصیر، زید، هشام، عبدالاعلی، حماد بن عثمان و عبدالله بن ابی بکر همگی بر این معنا تأکید دارند. تکرار این تفسیر در منابع متعدد و با اسناد گوناگون، نشان‌دهنده تداول آن در سنت اهل بیت علیهم السلام است. اعتبارسنجی سندی حاکی از آن است که این روایات طیفی از صحیح و معتبره را شامل می‌شوند. کتاب زید نرسی نیز به‌عنوان یکی از اصول اربعه، با پشتوانه رجالی معتبر (تأیید ابن غضائری و طریق ابن ابی عمیر) از وثاقت کافی برخوردار است. افزون بر این، کثرت نقل و اتحاد مضمون، مجموعه روایات را به حد استفاضه رسانده و اطمینان عرفی به صدور آن‌ها از معصوم را فراهم آورده است. تحلیل دلالتی با تأکید بر تعبیر «اجتنبوا» نشان داد که امام صادق علیه السلام با تفسیر «قول الزور» به غناء، متعلق امر به اجتناب را مشخص کرده است. در روایت حماد بن عثمان، حتی گفتن «أحسن» به خواننده غناء نیز از مصادیق قول زور شمرده شده که نشان می‌دهد نه تنها خود غناء، بلکه هرگونه تقویت و تأیید آن نیز در دایره نهی قرار می‌گیرد. این امر با حکم کراهت سازگار نیست و بر



شدت نهی و جنبه تحریمی آن دلالت دارد. نقد برداشت‌های نادرست، دو دیدگاه را ارزیابی کرد: نخست، حصر حرمت در غناء همراه با لفظ که با اطلاق روایات ناسازگار است؛ دوم، خلط میان مفهوم و مصداق که موجب تفسیر ناصواب از روایات می‌گردد. برآیند نهایی آن که روایات تفسیری ذیل آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» از حیث سندی و دلالتی، واجد اعتبار کافی برای استناد فقهی هستند و به روشنی بر حرمت غناء دلالت دارند. تعبیر «اجتنبوا» مؤید این معناست که غناء در زمره محرمات شرعی قرار دارد و هرگونه تفسیر مضیق با ظاهر روایات ناسازگار است. این پژوهش، افزون بر تبیین حکم فقهی غناء، الگویی برای فهم نسبت میان آیات قرآن، روایات تفسیری و استنباط احکام شرعی ارائه می‌دهد.

منابع

قرآن کریم

کتاب

- ابن الغضائری، احمد بن حسین (بی تا)، رجال ابن الغضائری، قم: دارالحديث.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (بی تا)، کامل الزیارات، قم: دار المرتضی.
- الصدوق، محمد بن علی بن بابویه (بی تا)، معانی الأخبار، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، قم: جامعه مدرسین.
- الطوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، قم: دار الکتب الإسلامیة.
- الطوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، الفهرست، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- الطوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، امالی شیخ طوسی، قم: دارالثقافة.
- القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، ج ۲.
- الکلینی، محمد بن یعقوب (بی تا)، الکافی، ج ۶، قم: دارالکتب الإسلامیة.
- المجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الأنوار، ج ۷۶، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجموعه من العلماء (بی تا)، الأصول الستة عشر، قم: مؤسسه آل البيت .
- مختاری و صادقی و نعمتی، رضا و محسن و محمدرضا (۱۳۷۰)، غنا و موسیقی، قم: بوستان کتاب.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸)، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- النجاشی، احمد بن علی (بی تا)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- النجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.